

آمیولانس

تحلیل چاهکی



پوریا عالمی

● چنجه از ته خط خودش را رساند و پرید سوار آمیولانس شد و گفت: دیگه چه خیر؟ گفتم: خبرگزاری‌ها اعلام کردند توی گیلان جشن عروسی بوده، چاه فاضلاب ریزش کرده، ۳۰ تا از خانم‌ها افتاده‌اند در چاه.

چنجه قافاه زد زیر خنده و گفت: عاقبت چاه کن ته چاه است.

گفتم: یعنی چی چاه کن ته چاه است؟ مجلس عروسی بوده، کی برای کی چاه کنیده بوده؟ ضرب‌المثل را باید درست استفاده کرد.

چنجه غش‌غش زد زیر خنده و گفت: باشه، پس طرف از چاله افتاد تو چاه.

گفتم: کی تسوی چاله بوده؟ داماد بیچاره که چاله‌چوله‌های زندگیش را با قرض‌وقوله پر کرده توانسته یک عروسی بگیرد، حالا تو می‌گویی از چاله افتاده تو چاه؟ این هم حرف است می‌زنی؟

چنجه هوهوهو هاهاهاه زد زیر خنده و گفت: همین است دیگر. یکنفر عروسی می‌گیرد ۳۰ کتفر را می‌اندازد ته چاه. صدتا عاقل نمی‌دانند چطور درش بیاورند.

گفتم: ای‌بابا! اصل ضرب‌المثل این است که یک نادان سنگ می‌اندازد ته چاه، صدتا عاقل نمی‌توانند درش بیاورند. چه ربطی دارد.

چنجه قیزقیز زد زیر خنده و گفت: ربطی ندارد؟ خیلی خبـب. پس چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی.

گفتم: چنجه‌جان، چاه را آدم برای خودش نمی‌کند که. چاه یک فرصت عمومی در اختیار جامعه و میهمانان قرار می‌دهد که خودشان را از مشکلات زندگی روزمره وابر هانند.

چنجه فیش‌فیش زد زیر خنده و گفت: پس تقصیر دولت است. این از وضع گرانی، آن از وضع گرمای تابستان، حتی بلد نیستند یک مجلس عروسی را اداره کنند. کجا توی خارج وسط عروسی چاه ریزش می‌کنند؟ زن‌های ما با چه امنیت‌خطری بروند عروسی؟ هیچ‌کس هم پاسخگو نیست. الان خارج بود دوتا نخست‌وزیر و شش تا وزیر استعفا داده بودند. اگر قدیم بود، چطور ی ناوا را انداختند توی تنور که گران نفروشد، الان باید صاحب مراسم را می‌نداختند ته چاه. توی ژاپن یکنفر اختلاس کرد وزیرش هاراگیری کرد. من بودم اگر میهمان‌هام می‌ربختند تو چاه، خودم را می‌نداختم تو چاه. اصلا تقصیر رسانه‌هاست. اگر می‌توانستند درست نقد کنند الان شاهد چنین صحنه دلخراشی در عروسی‌ها نبودیم. این اصلا تبابی و وادادگی است. چرا اصلا باید عروسی بر گزار کنیم؟ چطور دلمان می‌آید عروسی بگیریم و با عروسی گرفتارمن دفتر خانه‌های ثبت ازدواج را تأیید کنیم؟ این وادادگی است؟ این وناهادگی است؟ حتما داماد به جایی بسته است و حالا هم که میهمانی‌ش رفته ته چاه، حقش است.

گفتم: چنجه، اینقدر منطقی تحلیل می‌کنی و اینقدر مسلط می‌توانی گوزن ایرانی را به شقایق «نورمندی» پیوند بدهی که باید نویل پیوند را به تو بدهند. واقعا جات بین تحلیل‌گران و محللان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی خالی است.

چنجه گفت: جدی؟ تازه لایک‌خورم هم بالا می‌رود. گفتم: بپر پایین بپر. می‌خواهم بروم توی افق گم بشوم.

چنجه گفت: قبلش بگو ببینم دیگه چه خبر؟

فردا گذرانی

محمدر حمایان از بیضایی می‌گوید

● انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در روز یکشنبه ۱۶ شهریورماه طی برنامه‌ای در فرهنگسرای نیاوران از ۶ کتاب خود رونمایی خواهد کرد.

«سایه‌های نور» (همایون عالمی)، «هیس... دخترها فریاد نمی‌زنند» (پوران درخشنده)، «اگر بودی می‌گفتی» (عصمت عباسی)، «چهل»، «روایت حوا و خوشه گندم» و «امدن، ماندن، رفتن» (سپیده محمدیان)، عناوین آثاری است که قرار است در این مراسم رونمایی شوند. معرفی این آثار را بهروز پاکدامن، علیرضا محلی، علیرضا محمودی ایرانمهر و محمدرضا مرزوقی برعهده دارند. این برنامه طبق معمول نشست های روشنگران با نمایشنامه خوانی یکی از آثار بهرام بیضایی همراه خواهد شد.نمایشنامه خوانی از «افرا» توسط گروه هادی سروری (ندا روشنایی، مریم امینی، هادی سروری،مینا محب‌زاده، الهام یگانی، حمیدرضا لازمی، امیر تیموری و سعید میرآفتاب) اجرا می شود. گفتنی است محمدرحمانیان، نویسنده و کارگردان تئاتر در این برنامه در ارتباط با بهرام بیضایی و آثارش صحبت خواهد کرد.

پوزش و تصحیح

● روز دوشنبه ۱۰شهریور گفت‌وگویی با غلامحسین نامی منتشر شد که به اشتباه اسم ایشان غلامرضا نامی چاپ شده بود. بدین‌وسیله از ایشان و خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم.

شترخوار روزنامه

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۳
۷ ذی‌القعدة ۱۴۳۵
۳ سپتامبر ۲۰۱۴
سال دوازدهم
شماره ۲۱۰۴
۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴
اذان مغرب ۱۹:۴۸
اذان صبح فردا ۵:۱۲
طلوع آفتاب ۶:۳۸

روزنفرها



کارتون خواب



کافه نظر

تفکیک جنسیتی؛ سیاست یا ارزش؟

عسل عباسیان: بحث تفکیک جنسیتی همچنان ادامه دارد. آقای رئیس‌جمهور، به‌عنوان شخص اول اجرایی کشور پیش‌تر در این مورد گفته: «در کجای قانون اساسی مجوز تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها صادر شده و از آن سخنی به میان آمده است؟» و تأکید کرده: «اسلامی کردن دانشگاه‌ها جلو و عقب‌بردن روسری نیست» اما این روزها موضوع تفکیک جنسیتی، به‌برخی مراکز عمومی و ادارات هم کشانده شده و جمالتی نظیر «اما غیرت دینی داریم، حرف ما این است که نباید اجازه دهیم یک خانم در طول زمان معاشرت بیشتری با نامحرمان داشته باشد تا با محرمان خود و شوهر و فرزندش» هم مطرح شده هر چند کمی بعد نظرات تغییر کرد. نظرات چهارچهره را حول این ماجرا پرسیدیم که در ادامه می‌خوانید.

کامیاب نوروزی ◀ حقوق‌دان

در هیچ‌یک از قوانین فعلی کشور تفکیک جنسیتی فضاهای کاری کارکنان دولت در سازمان‌های دولتی و عمومی پیش‌بینی نشده است. مگر موارد استثنایی از قبیل مراکز درمانی یا مدارس، که به‌طور استثنایی و محدود پارهای تفکیک‌های جنسیتی اعمال شده. بنابراین در بعضی موارد استثنایی که

بعضی سازمان‌های عمومی موضوع تفکیک جنسیتی کارکنان خودشان در فضاهای کاری را اعمال می‌کنند حاصل یک اعمال سلیقه و سیاست شخصی است که از تاباطی با قوانین و مقررات جاری کشور ندارد. علاوه بر این چه‌بسا می‌توانیم بگوییم که چنین نگاهی به زنان و مردان کارمند می‌تواند به نوعی موجب کسر شأن این افراد شریف باشد. کارمندان اغلب افرادی هستند که در سنین پس از ۳۰سال قرار دارند و افرادی هستند خانواده‌دار و شریف که خودشان حداقل به اندازه مدیران و روسایشان مقید به اخلاق و قانون و احکام هستند و در حدی از بلوغ عقلی و اخلاقی قرار دارند که موازین اخلاقی و شرعی و قانونی را رعایت کنند. این نوع نگاه به این افراد شریف با شوون انسانی این افراد سازگار نیست. با این ملاحظات وقتی قوانین و مقررات چنین تکلیفی برعهده مدیران نگذاشته اجرای سیاست تفکیک جنسیتی در محیط‌های کاری بیشتر یک اقدام سیاسی است. ممکن است برخی ادعا کنند که این تفکیک موجب آسایش خود کارمندان است. من نمی‌دانم این آیا مستند به یک کار پژوهشی بی‌طرفانه مستقل هست یا نه. اگر واقعا یک کار تحقیقی مستقل و نظرسنجی مستقل توسط متخصصانی بی‌طرف که دنبال اثبات‌ادعاهای مدیران نیستند انجام شده باشد و به این نتیجه رسیده باشند که این تفکیک موجب آسایش کارکنان و افزایش بهره‌وری سازمان هست اجرای آن درست است اما اگر ادعای صرف باشد، مسلما سخنی که فقط ادعاست و مدلل نیست نمی‌تواند مقبول باشد.

هنگامه اخوان ◀ موسیقیدان

سال‌ها پیش شادروان همایون خرم می‌گفتند برای اینکه یک تصنیف خوب نوشته شود، ترانه‌سرا، آهنگساز و خواننده باید با هم زندگی کنند تا بتوانند اثری ماندگار را خلق کنند. در واقع وجود یک روحیه جمعی فارغ از جنسیت افراد و در کنار هم قرار گرفتن آنها باعث می‌شد، نتیجه نهایی کار، درجه یک و مقبول باشد. این در حالی است که اعمال چنین رفتارهایی سبب دورتر شدن افراد و کمرنگ‌شدن آن روح جمعی است. این‌روزها شاهدیم که همه کاره‌ایی که در گذشته به‌صورت جمعی انجام می‌شد، متأسفانه به صورت فردی صورت می‌پذیرد و این کمی نگران‌کننده است.

بیژن میرباقری ◀ کارگردان

به نظر من اصولا هر نوع رفتار افراطی‌ونفریطنی بیش از قانون و سبقت‌گرفتن از قانون است. تجربه ثابت کرده که سبقت‌گرفتن از یک امر متداول چه بازتابی دارد. این نوع سبقت‌گرفتن از عرف جامعه رفتاری است که در دولت نهم و دهم شروع شد و بازتاب‌هایش متأسفانه امروز هم وجود دارد. تاریخ نشان داده افراط‌ونفریط راه به جایی نمی‌برد. این طرز تفکر را اگر زیرمجموعه غیرت اسلامی در نظر بگیریم، باید از خودبیرسیم آیا سایر چیزهایی که غیرت اسلامی ایجاب می‌کند را رعایت می‌کنیم و فقط این موضوع مانده؟ باید ببینیم مساله بنیادی‌تری همچون وضعیت فقر و درآمد مردمان را در مقوله غیرت اسلامی چطور تعریف می‌کنیم و بعد به‌دنبال بازتعریفی برای این موارد باشیم.

مهدی کره‌پیور ◀ کارگردان

اعمال چنین رفتارهایی بیش از آنکه تابع روح سنت‌های اسلامی و ایرانی باشد، به‌نظر می‌رسد زاده رقابت‌های سیاسی است و برخی مدیران مایلند با چنین رفتارهایی جایگاه سیاسی خودشان را تثبیت کنند در حالی که همیشه تجربه ثابت کرده چنین رفتارهایی در بلندمدت جویگو نیست و جامعه به مرور آن را پس خواهد زد.

اصلاح‌طلبان از «هیات‌ریبسه» شورای چهارم رفتند؛ حداقل برای یکسال آینده. در کنار نگرانی‌ها، می‌توان امیدوار هم بود که امید تنها توشه آدمی است. تجربه شورای شهر پیشین و حضور نجفی، ابتکار و مسجدجامعی

در کنار هم نشان داد، حتی اقلیت هم می‌توانند موثر باشند. در انتخابات دیروز، اصلاح‌طلبان، پیش‌بینی ۱۶ رای می‌کردند اما در نهایت، ۱۳ عضو اصلاح‌طلب شورای شهر به خاستگاه اجتماعی خود و رای‌ی که مردم به آن داده بودند، وفادار ماندند. اخلاقی شکست، همان حلقه مفقوده برخی از ماست، همانطور که پشت‌مدیگر را خالی‌کردن شیوه عده‌ای دیگر، شاید؛ بهتر باشد در این زمینه‌ها روشمان را عوض کنیم. عده‌ای عصبانی می‌شوند و احساساتی؛ هیچ انتقادی را نمی‌پذیرند، عده‌ای دیگر نسخه‌های تندتویز رفتاری و عملکردی برای ریاست شورای‌اشهر و اعضای‌ش می‌پیچند. در این سال‌ها که روزنامه‌نگار بودام بیشتر در حوزه فرهنگ‌هتر کار کرده‌ام. شاید اگر از سال پیش مسیر فعالیت‌م تغییر نکرده بود به



گیسو صفوری

اهمیت حضور افرادی نظیر مسجدجامعی بر ریاست شورا چندان اشراف نداشتم. در دوره‌ای که احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ‌وارشاد اسلامی بود جزء همان کسانی بودم که می‌گفتند باید آنجا را تند می‌رفت، باید آن کار را می‌کرد، باید جلوی رقیب می‌ایستاد، همین نگاهی را داشتم که اکنون عده‌ای از دور می‌گویند و انتظار دارند. یکبار، در آن سال‌ها تحقیق‌وتفحص از وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی مسجدجامعی مطرح شد و برخی از نمایندگان اصولگرایی مجلس هفتم در سخنرانی‌هایشان علیه عملکرد او گفتند که واکنش طیف‌های مختلفی از هنرمندان واهل فرهنگ را برانگیخت. ترکیب دفاع‌کنندگان آن روز را نمی‌شد به یک‌طیف یا نگرش سیاسی یا فرهنگی منتسب کرد و این خود؛ نشانه‌ای بود که بعدها نیز در عملکرد مسجدجامعی به خوبی دیده می‌شد. همین عملکرد از او چه‌راهی ویژه سناخته است. اکنون دیگر می‌دانم که او از محدود شخصیت‌هایی است که توانسته ضمن حفظ اصول و منش خود با طیف‌های متنوع فرهنگی در جامعه ایران همکاری کند. او از یک‌سوی؛ مورد احترام بخش مهمی از متدینان و علمای قم است و از سوی دیگر میان بخش بزرگی از هنرمندان واهل فرهنگ مقبولیت و احترام دارد. او از معدود وزرای فرهنگ‌وارشاد اسلامی بود که پس از وزارت نیز رابطه‌اش را با حوزه فرهنگ قطع نکرد و در حوادث و

پرسه

بگویند قهوه سرو نکنید، می‌گوییم چشم!

کافه باشند، برای شستن ظرف‌ها یا پخت‌وپز. ناهید می‌گوید این اولین‌بار نیست که چنین چیزی را می‌شود: «اصلا این قانون بوده و حالا دوباره دارند برای اجرایش فشار می‌آورند» فرناز هیکار دیگر ناهید است در کافه‌ای نزدیک به بلوار کشاورز؛ جایی که قشر جوان و تحصیل‌کرده عصرهای خود را معمولا در فضای کافه‌ها می‌گذرانند. در لایفاستایل فرانز، کارکردن در کافه از کار در شرکت‌ها یا ادارات، هم بهتر است و هم ممکن‌تر: «این کار تنها کاری است که می‌توانم انجام بدهم، به‌خاطر موقعیت دیگر کار‌ها نه تمایل دارم واردشان بشوم و نه توانایی، در کافه مجبور نیستی خودت را سانسور کنی چون مشتری هم مثل توست و تو هم شبیه به خودت. اما اگر قرار باشد در یک اداره کار کنم مجبور هرروز سر صبح به محل کارم بروم در حالی که اگر دانشجو باشم نمی‌توانم و باید از لباس فرم آنجا استفاده کنم در حالی که دوستش ندارم، لباس من همین لباس کار در کافه است» او همکارانی از جنس خودش در کافه‌های تهران دارد که دخترانی بین ۲۰ تا ۳۵هستند و می‌آنکه مدرک خاصی داشته باشند تنها می‌توانند در کافه کار کنند. «اگر پلیس واقعا می‌خواهد این قانون را عملی کند باید بگوید که ۸۰درصد دختر‌ها که در مدرکی دارند و نه پارتنی‌ای که جذب ادار‌های دولتی شوند باید چه‌کار کنند؟ بگویند پلیس فکر می‌کند کار در کافه از کار در مطب دکتر یا بوتیک برای دختران خطرناک‌تر است؟» پاسخ‌های فرناز حکایت از آن دارد که او فکر می‌کند کارکردن در هر موقعیتی می‌تواند برای دختران خطرناک باشد چرا که مشکل نه در کافه‌ها بلکه در جامعه است.



معادله چندمجهولی

مرگ خودخواسته

شوند برای چندرگز تن به بازی در سریال‌ها و فیلم‌های بی‌ارزش دهند. کسانی که ناگزیرند چه‌ره به‌ره بخت‌شان را در پس انبوهی ریش پنهان کنند تا بیماری‌شان لو نرود که معمولا هم می‌رود. چون به قول جولان امروزی، این قیافه‌ها تابلاو است. کسانی که چون گرفتارند، گاهی سرنخشان می‌افتد دست کسانی که می‌خواهند از جاهلشان برای تقویت جایگاه خود بهره بگیرند اما نمی‌دانند که اینان دیگر جاهلی نلدند. در دوره مدیریتی پیشین سینما، چندنفر از این خودبیرانگه‌را در نقش مشیر و مشار مدیران ظاهر شدند اما اعتباری برای آنان ایجاد نکردند که هیچ، باعث شک و تردید کسانی هم شدند که با آن مدیران دشمنی نداشتند. می‌دانم که این حرف‌ها عاقبت‌اندیشانه نیست. اما به‌عنوان مردی ۶۰ساله که دشواری‌های بسیاری را از سر گذرانده و در دوران دانشجویی‌اش با کسانی هم‌خانه بوده که روزی سه وعده بر سر بساط منقل می‌نشستند و دیدن عاقبت تلخ برخی از آنها که در زمینه‌های مختلف هنری، سرشاز استعداد بودند، نمی‌توانم، خشم خود را از این گرایش هولناک پنهان کنم. رابین ویلیامز، شاعر ونویسنده‌یال بیشتر نداشت. دست کم ۱۰، ۱۵سال دیگر می‌توانست مردمان خسته جهان را با شیرین‌کاری‌هایش سسر فوق آورد. اما از دست رفت و جایگزینی هم نخواهد داشت. از ما گفتن.



● دومین شماره ماهنامه سیاسی، فرهنگی «سخن ما» با عکس محمدرضا خاتمی و پرونده «اصلاح‌طلبی در شرایط امروز» با این پرسش محوری «آیا راهبرد و گفتمان کنونی اصلاحی امری متمایز با سال‌های پس از دوم خرداد است؟» منتشر شد. در این پرونده گفت‌وگوی با نایب رئیس مجلس ششم با عنوان: «اصلاحات امروز، اصلاحات دیروز نیست» انجام شده و مقاله‌ای از محمدجواد غلامرضاکنشی با عنوان «اصلاحات جنبشی لب فروخته» در کنار آن است اما حمیدرضا جلای‌پور مقاله «اصلاحات ۲» را نوشته که اصلاحات دوره اعتدال روحانی را بررسی کرده و محمدعلی‌همایون کاتوزیان هم به پرسش‌های «سخن ما» با این تیتتر پاسخ داده است: «مردم از اصلاح‌طلبان کره ما را می‌خواستند» در نخستین صفحات این ماهنامه مشروح سخنرانی محمد مجتهدششتری

رئیس‌جمهوری عراق در یادداشتی اختصاصی خلافت اسلامی علیه شیعه و سنی را زیر ذربین قرار داده است. این مجله با مدیریتمسئولی مهرشون جعفری منتشر می‌شود.